

رئیس جمهور
باید

مشاوران

مردم دار باشد

پیرمرد بالهجهی مشهدی، توی صحن حرم سلامش داد.

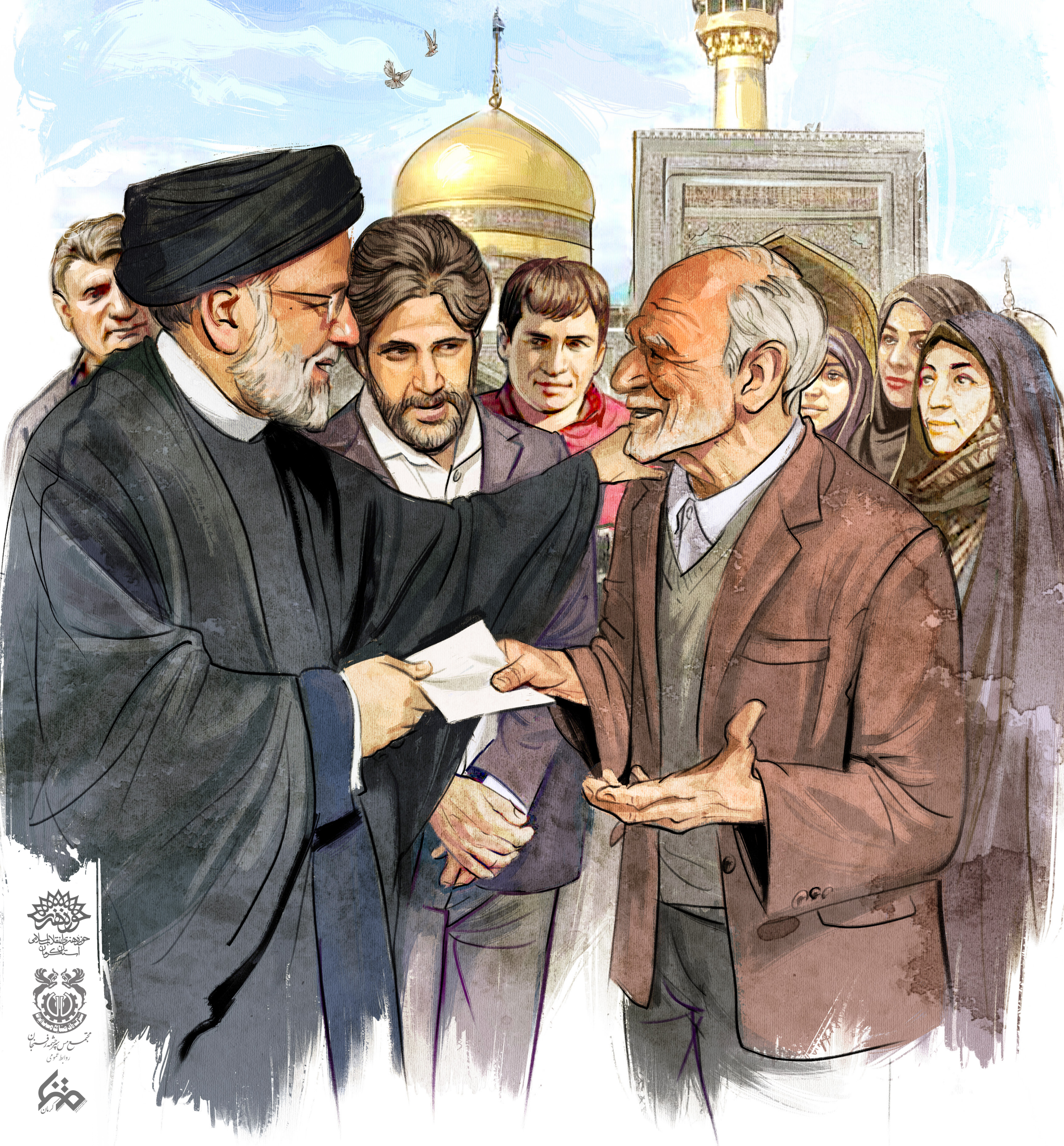
ایستاد.

دستش را به گرمی فشرد و لبخندش را قاطی سلام و مصافحه اش کرد. پیرمرد، سادگی و صمیمیتش را که دید شرم را کنار گذاشت و حرفش را به زبان آورد و گفت: "چهارتا بچه‌ی دم‌بخت دارم و شغلم قیرگونه، از پس هزینه‌هاشون برنمیام."

همانجا با پیرمرد تفاهم‌نامه‌ای نوشت. کنار گوشش گفت:

"پدرجان، بیا با هم تقسیم کار کنیم، نصف نصف. دوتا شون با من،

دوتای دیگه با همت خودتون."



رئیس جمهور
باید

مشاوران

مقتدر باشد

تازه از صید ماهی برگشته بودم.
می خواستم ببینم حکایت تخریب ویلاهای شیک و اعیانی لب آب
چیست.
مردم با آب و تاب از دستور رئیس جمهور به ادارات و نهادها، برای
آزادسازی سواحل جهت استفاده عموم گفتند. از چهل هزار هکتار
زمینی که از حق مردم عادی خورده شده بود و حالا با فروریختن این
دیوارها، داشت به صاحبان اصلی شان برمی گشت.
شلوگی لب ساحل حکایت از حضوریکی از مسئولین داشت.
خودش بود. رئیس جمهور. آمده بود که روند کار را از نزدیک ببیند.



تیمسار پژوهش‌های
روابط عمومی

مخبرگان

رئیس‌جمهور
باید

مشاوران

دلسوز باشد

ساعتی بعد از زیارت مزار حاج قاسم، توی بالگرد و در حال حرکت به سمت روستای محروم تنگ‌شاه در دورترین نقطه جنوبی استان بودیم. خلبان ارتفاعش را کم کرده بود، محرومیت و شرایط سخت زندگی مردم در آن هوای گرم قابل درک بود. دست‌هایش را بالا برده بود و خدا را قسم می‌داد توفیق خدمت به مردم و محرومیت‌زدایی از زندگیشان را داشته باشد. هیچ دوربینی غیر از چشم‌های من نبود تا از ردیف اشک‌هایش روی پهنه‌ی صورت، تصویر بگیرد.



تیمسار سپهر فرسنان
روابط عمومی

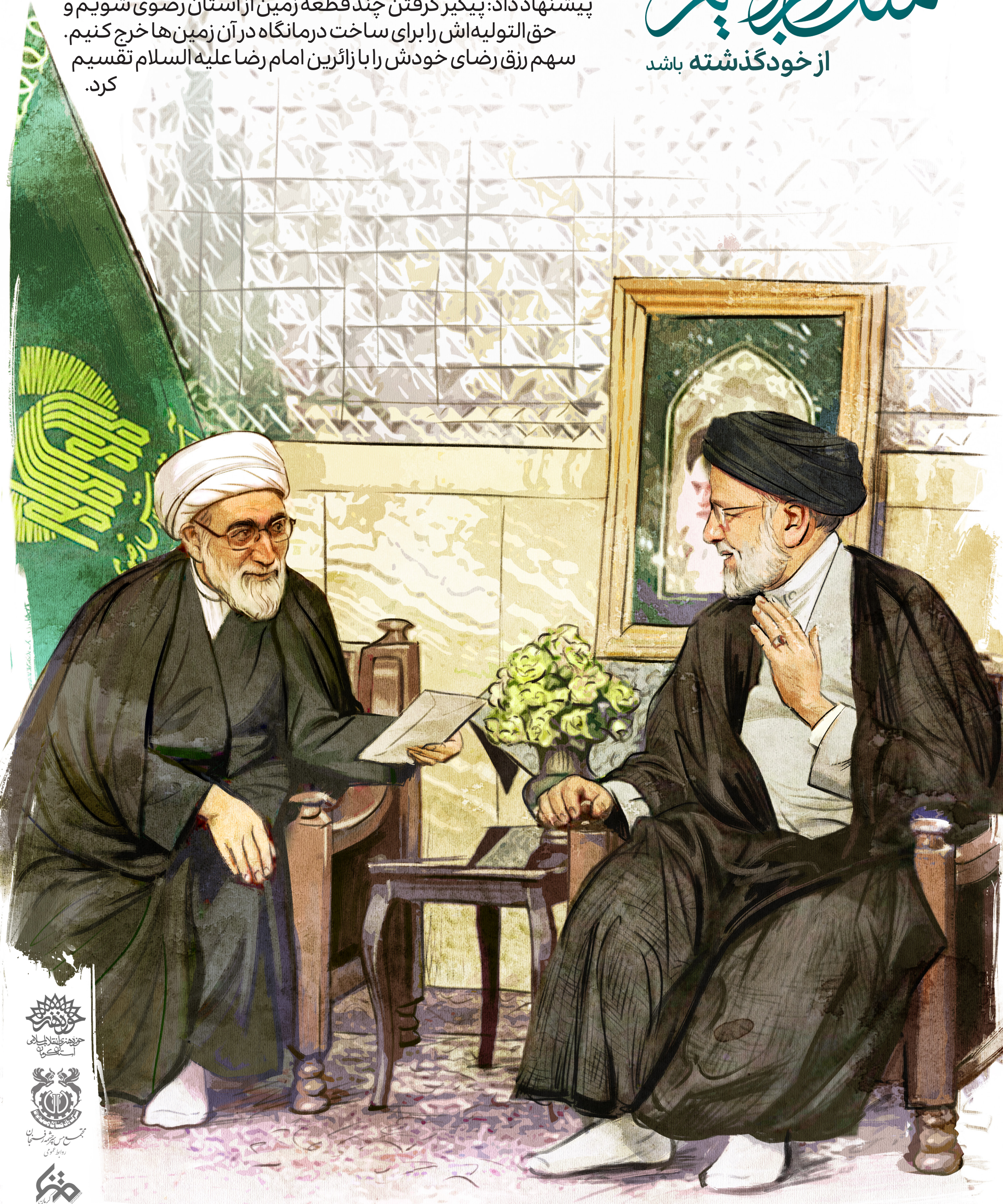
مخبر

رئیس جمهور
باید

مشاور الهی

از خود گذشته باشد

حکم ریاست قوهی قضائیه آمد و رفتنش از تولیت حرم، قطعی شد.
حق التولیهی سه ساله را آماده کرده بودم. پاکت را به سمتشان
گرفتم و گفتم: این مبلغ حق شرعی و قانونی شماست.
بدون لحظه‌ای تامل جواب داد که من نمی‌خواهم، حتی یک ریالش را.
پیشنهاد داد: پیگیر گرفتن چند قطعه زمین از آستان رضوی شویم و
حق التولیه‌اش را برای ساخت درمانگاه در آن زمین‌ها خرج کنیم.
سهم رزق رضای خودش را با زائرین امام رضا علیه السلام تقسیم
کرد.



مجلس شورای اسلامی
روابط عمومی



رئیس جمهور
باید

مشاوران

عادل باشد

با حکم اعدام، رفتم پیش دادستان انقلاب. نامم را که گفتم، پرسید:
همان عباس معروفی معروف؟
پرونده ام را شرح دادم. تلفن روی میزش را به سمتم چرخاند. خواست
همان لحظه بگویم شماره های چاپی مجله ای توقیف شده ام را بیاورند.
تا رسیدن مجلات، سراغ کتاب جدیدم را گرفت. توی کیفم نسخه ای از چاپ
سومش را داشتم. همین که روی میز گذاشتم، مبلغ روی جلد را به طرفم
گرفت. تردیدم را برای دریافت پول که دید گفتم: این میز قضا و قدره.
پول را گرفتم.
بررسی که کرد گفتم: "هیچ لکه ای توی کارت ان ندیدم." پیگیر پرونده ام شد.
جلسه ای مجدد دادگاه را با حضور هیئت منصفه برگزار کرد.
حکم اعدامم رد شد و تبرئه شدم.



رئیس جمهور
باید

مشاوران

خستگی ناپذیر باشد

توی سفرها، خودش بیشتر از همه می‌دوید.
همین که حرف از استراحت می‌زدیم می‌گفت: "باید بدوید و کنیم تا از
کار مردم گرهی باز شود."
باهمهی ورزشی‌های نظامی، اسم سفر با رئیس جمهور که می‌شد،
تن و بدنمان می‌لرزید و عزامی گرفتیم.
چون می‌دانستیم که در تمام مدت سفر، نه خواب خواهیم داشت نه
غذا و نه استراحت.
اما همین که سفر تمام می‌شد و بالبخند، از همه برای همراهی، تشکر
می‌کرد و برای سختی‌ها عذرخواهی، خستگی از تنمان بیرون می‌رفت.



مجلس خبرگان
روابط عمومی

مخبر

رئیس جمهور
باید

مشاوران

با اخلاق باشد

برنامه به صورت زنده پخش می شد.
مناظرات انتخاباتی با بیشترین بیننده.
یکی از نامزدها، تمام سال های تحصیل حوزوی و دانشگاهی اش را
زیر سوال برد. تهمت و توهینی بزرگ در برنامه زنده.
با تواضع و آرامش پاسخش را داد.
پشت صحنه ی برنامه، به کسی که به او تهمت زده بود گفت: من از
حق خودم گذشتم و برای گناهی که مرتکب شدم، از خداوند برایت
طلب مغفرت می کنم.



جمهوری اسلامی
ایران

مجلس خبرگان
رابط عمومی

مخبر

رئیس جمهور
باید

مشاوران

شجاع باشد

بعد از حادثه تروریستی، هنوز اشراف امنیتی کامل نشده بود.
احتمال حضور تروریست ها و حمله ی مجدد، قوت داشت که خبر
سفر رئیس جمهور به کرمان رسید.
نیروهای امنیتی و تیم حفاظت هم موفق نشدند جلوی سفرش را
بگیرند.

نیمه شب آمد. نماز صبحش را کنار مزار حاج قاسم و بین نیروهایی
خواند که تا صبح، قبور را برای تدفین شهدا آماده می کردند.
ساعتی بعد هم در میان خانواده های داغدار شهدا، صحبت کرد.



مجلس شورای اسلامی ایران



جمهوری اسلامی ایران



وزارت فرهنگ و ارث ملی